جام جم

amejamdaily.ir j

ویژه فرهنگ - هنر
رسانه - جامعه
۵

دوشنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۱

مروری بر چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر

کاستی های یک جشنواره در تراز

صفحه ۱۰

«جام جم» در روز جهانی رادیو بررسی می‌کند

رادیو؛ صداها و نام‌های ماندگار

۶

ویژه

رکورددارانِ نامزدی و دریافت سیمرغ چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر

چرتکه سیمرغی

۸

«جام جم» چرایی گرایش به عمل‌های زیبایی را بررسی می‌کند

سال نو، چهره نو؛ ترفندی برای درآمدزایی

۱۲

رسانه

نگاهی به سریال «راز ناتمام» و محوریت تاریخ شفاهی انقلاب در قصه‌ها

برداشت دراماتیک از بستر غنی تاریخ

۷

فرهنگ

گزارش اختصاصی «جام جم» از آثار سی‌وهشتمین دوره موسیقی فجر

ساز جشنواره کوک شد

۱۱

گزارش

چند نکته درباره اختتامیه چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر

شکست فرهنگ فرصت طلبی

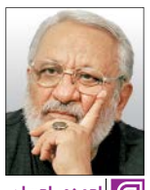

فرهنگ
احمد میراحسان
نویسنده و پژوهشگر

مراسم اختتامیه جشنواره چهل و یکم فیلم فجر، ویژگی های خود را در تاریخ جشنواره‌های فجر ثبت کرده است. می خواهم درباره نیک و بد خصوصیات این دوره جشنواره فیلم فجرسخن بگویم. حقیقت آن است که سرپا نگهداشتن جشنواره در توفانی از طراحی توطئه چینانه علیه سینمای کنونی ایران، کار مهمی بود که باید قدرش را دانست. سینمای ایران قرار بود تماما به تله انفجاری بدل شود. در تصور گردانندگان میز ایران در پنتاگون، سیا، ام آی سیکس، موساد و نیز رسانه های خصم خونی و خدمتگزاران استکبار وحشی چون بی بی سی و ایران اینترنشنال و صدای آمریکا، من و تو و... سینمای ایران در ریشه‌هایش پرورده مدرنیزاسیون غربگرا و از نهادهای بی همتا در خدمت توسعه نظام پیرامونی بوده که نقش آن قوی تر از دستگاه‌های جاسوسی و اطلاعاتی و تبلیغی شیطان بزرگ و همراهانش عمل کرده و پس از انقلاب با وجود تأثیر بزرگ انقلاب اسلامی و ساخته شدن آثار ارزشمند، به دلیل عدم تحول بنیادین ساختاری، همچنان از ابزارهای نیرومند گسترش فرهنگ مدرن وابسته به غرب به شمار آمده و پرورش روحیه خصمانه و متناقض با انقلاب اسلامی و فرهنگ دینی و انقلابی را در اکثر آثار به دوش گرفته تا در بزنگاه معین نقش خود را ایفا کند.

سال ۱۴۰۱ همان سالی است که شیطان بزرگ همه سرمایه‌های سینمایی‌اش را به میدان آورد تا مرحله تازه‌ای از پروژه براندازی جمهوری اسلامی را پیش ببرد. زمینه اغتشاشات امسال با اقدام طلیعه‌های فکری و سیاسی و سینمایی کلید خورد:

اتحاد عملی بخش غربگرای سینما

۱- شالوده شکنی دینی دکتر سروش و تکرار اتهامات ابوجهل درباره آن که قرآن وحی و کلام... نیست بلکه گفتار محمد صلوات‌ا... علیه و آله است، حکم زمینه‌سازی تقابل جدید و پیشرفته‌تر فکری با شالوده انقلاب را در بر داشت که در واقع فاز تازه‌ای را شروع کرد.

۲- بیانیه میرحسین موسوی قبل و بعد از اغتشاشات حکم گسست و شالوده شکنی سیاسی بود که این هم نشان دهنده آن بود که خدا او را زنده نگه داشت تا همه اعمالش شامل حبط شود و او از جمله کسانی که حبطت اعمالهم شمرده می‌شوند و هر پیوندی با انقلاب و امام و اسلام در او بمیرد و دفن شود.

۳- اما نشانه‌های همدستی و اتحاد عملی بخش غربگرای سینمای ما در ادامه همه پرورش قبلی ساختی‌اش برای چاکری ایدئولوژیک و سیاسی و زیباشناسانه به اربابان غربی‌اش و شرکتش در پروژه اغتشاش در کن عریان شد و غرب محصول تلاش‌های چهار دهه برای تعمیق نظام پیرامونی و نوکری فکری را درو کرد. و پیروان و کارگزارانش نمایش مقدماتی بی‌آزرم‌شان را تحت رهبری شیاطین قدرت ظاهر ساختند.

روش‌های کهنه‌شده تحریم و بایکوت

حالا که شیاطین می‌خواستند کل سینما را به تله انفجاری تبدیل کنند چه می‌شد کرد؟ برنامه طولانی مدت برای عقلا و متخصصان انقلابی روشن بود. این تهدید و جنگ و اغتشاش سینمایی فرصت بزرگ تغییر ساختاری را فراهم آورده بود.

امـا در کوتاه‌مدت، هم باید شیاطین و رسانه‌های‌شان را ناکام می‌نهادند تا روش‌های کهنه‌شده تحریم و بایکوت آنان بی‌ثمر شود.

راه انداختن جشنواره چهل و یکم به معنی همین خنثی‌کردن توطئه کوتاه‌مدت‌شان بود و به راستی ارزشمند است.

با این همه، ترکش‌های دشمن جاهایی دامنگیر شد و واکنش‌های جهالت‌آمیز ناخواسته به دشمن حال داد. مهم‌ترین این جهل، اخلاق اپورتونیستی و سوءاستفاده از فرصت بود. من

نمی‌گویم در همه وقت این امر با سوءنیت همراه است. گاه بیان نظرات شخصی نابجا مایه این بهره و ترویج نگرش غلط می‌شود.

نمونه بارز ترویج نگرش غلط در اختتامیه

۱- ابوالفضل پورعرب سخنرانی کوتاه و پر اشتباهی کرد و از حاتمی کیا به نام فیلمساز دولتی نام برد. این لقب همان است که شیطان بزرگ و همدستانش به فیلمسازان مستقل و ضدنوکری غرب می‌دهند که حاضر به فرمانبری نیستند یا بالاتر از آن انقلابی‌اند و علیه سیطره وحشیانه شیطان و سینمای شیطانی مقاومت می‌کنند با آن که کیارستمی متشرع و انقلابی نبود، صرفا برای عدم پذیرش یوغ اربابان سلطه جوی جهانی از ایادی آنان لقب فیلمساز دولتی دریافت کرد. فیلمساز دولتی یعنی فیلمسازی که هنرش را به دولت‌ها می‌فروشد و مجیز آنان را می‌گوید. کی حاتمی کیا برابر کابینه‌ها و کلافراتر از آن دولت به بلندگوی خواست آنان بدل شد؟ این لقب که در شب افتتاحیه پاسخی نیافت یک توهین به سینمای انقلابی و ضد وابستگی حاتمی کیاست. سینمای دولتی، سینمای اخیر پناهی‌هاست که در خدمت سیاست دولتی دشمن استقلال ایران قرار دارد و گوش به فرمان اتحادیه اروپا و آمریکا و دلار و یوروست که از دولت‌های جهان جایزه بگیرد.

۲- سخن آقای باشه‌آهنگر هم تحریف حرف دل حاج‌قاسم بود. حاج قاسم کی گفت کسانی که با جمهوری اسلامی می‌جنگند، تروریست‌ها لیدرهای اغتشاشات جوانان مزدور و خصم اسلام و جاسوس و همکار سازمان‌های براندازِ فرزندان ملت‌اند. او گفت دخترانی که حجاب ندارند فرزندان ما هستند و فرق ما هوی است بین براندازان ملحد و منافق و کارگزار دشمن با این فرزندان سرکش درون خانواده ایران.

۳- سخنان مجید صالحی هم همین قدر فرصت‌طلبانه و اشتباه و تحریف‌آمیز به حساب می‌آید و نه سیخ بسوزد نه کباب!

۴- مسلما من ضروری می‌دانم از ملت باید عذرخواست به سبب فساد در قوه قضاییه و ناتوانی در قوه مجریه در جایی که با عرضه و تخصص، در مسیر تحول ساختاری می‌شود کار درست کرد و نمی‌کند و اهمال در قوه مقننه به سبب عدم شفاف‌سازی رسیدگی به سوءاستفاده و کلاو... و حتی در کار اشتباه نهادهای انتظامی و برخورد نامشروع و غیرقانونی با زنان بدحجاب و... اما اینها چه ربطی به انجام وظیفه‌شان دارد. در آنجا که به سرکوب کارگزاران طرح دشمن و ایجاد اغتشاش گوش به فرمان شیاطین می‌پردازند.

ایـن فرصت‌طلبی‌های بی‌پاسخ مراسم اختتامیه باید پاسخی می‌یافت در خود مراسم اختتامیه. بار دیگر می‌گویم اگر تغییر ساختار سینما جدی گرفته نشود همین نسل جدید هم پس از چند سال به پناهی و فرهادی بدل خواهند شد. البته هرگز فهم درست تغییر ساختی به معنی تأسیس سینمای دولتی مدل ژدانفی و انحصار دولتی و نفی فعالیت مردمی و خصوصی اصلا نیست.